

چیستی ترجمان کالبدی مفهوم زوجیت در معماری مسکن

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۱۱/۲۰

محمدمنان رئیسی*

دانشیار و عضو هیئت علمی (نویسنده مسئول)؛ m.raeesi@qom.ac.ir

حامد حیاتی

استادیار و عضو هیئت علمی گروه معماری و شهرسازی دانشگاه قم، قم، ایران؛

hamedhayaty@yahoo.com

مریم منصوری

استادیار دانشگاه شاهد، تهران، ایران؛ mrymmansouri@yahoo.com

چکیده

مسئله این پژوهش، چیستی ترجمان کالبدی مفهوم زوجیت در دو تمدن اسلامی ایرانی و تمدن معاصر غربی و باهدف تبیین این موضوع است که تلقی متفاوت از مفهوم زوجیت در این دو تمدن (که ریشه در بنیان‌های نظری و فلسفی دارد)، چطور در ترجمان کالبدی معماری مسکن جلوه‌گر شده است. روش مورد استفاده برای نیل به هدف مذکور، روش استدلال منطقی است. طبق یافته‌های این پژوهش، برخلاف فرهنگ اسلامی ایرانی که بر اساس اصل عدالت، برای هریک از ارکان زوجیت (شامل مرد و زن)، جایگاه متفاوتی را لحاظ می‌نماید، در فرهنگ معاصر غرب تحت تأثیر بنیان‌های فلسفه معاصر غرب، مفهوم تضاد دیالکتیکی جایگزین مفهوم زوجیت شده است؛ به نحوی که طی این تضاد دیالکتیکی، آنتی تزی حادث می‌شود که نتیجه آن، مساوات (و نه عدالت) و به تبعش از دست رفتن اقتضائات زنانه در فرهنگ معاصر غرب است. ترجمان کالبدی این موضوع در معماری مسکن منتج به این واقعیت شده است که برخلاف مسکن اسلامی ایرانی که فضاهایی تحت عنوان بیرونی و اندرونی متناسب با اقتضائات جنسیتی مختلف

وجود داشت، در مسکن معاصر غربی، اندرونی به کل در بیرونی مستحیل شده و تضاد دیالکتیکی میان مفاهیم فلسفی تز و آنتی تز، منتج به سنتزی شده است که ترجمان کالبدی آن، حذف شأن و جایگاه زنانه در مسکن معاصر غربی است.

واژگان کلیدی:

مسکن، زوجیت، فرهنگ اسلامی ایرانی، فرهنگ غربی، تضاد دیالکتیکی

۱- مقدمه

زوجیت قاعده‌ای است که به تصریح قرآن کریم در سراسر پدیده‌های هستی جاری و ساری است: «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ: و از هر چیزی دو گونه (یعنی زوج) آفریدیم، باشد که شما متذکر شوید» (ذاریات/۴۹). در سوره یس نیز چنین می‌فرماید: «سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ: منزّه است آنکه همه زوج‌ها را آفرید از آنچه زمین می‌رویاند و از وجود خودشان و از آنچه نمی‌دانند» (یس/۳۶).

هدف از این پژوهش، پی‌جویی ترجمان و انعکاس کالبدی مفهوم زوجیت در معماری مسکن و به‌طور خاص، مسکن اسلامی ایرانی و همچنین مقایسه آن با نمونه‌های مشابه مبتنی بر فرهنگ غربی است.

در میان اجزا و کاربری‌های مختلف، مهم‌ترین کاربری که جا دارد به چگونگی تجلی زوجیت در آن به‌صورت تخصصی پرداخته شود معماری خانه است؛ زیرا مهم‌ترین مکانی که هم‌نشینی زوجین در آن واقع می‌شود خانه است. سؤال اصلی این پژوهش این است که ترجمان کالبدی فضایی مفهوم زوجیت در معماری اسلامی ایرانی (به‌طور مشخص در ابنیه مسکونی) چیست و این ترجمان، چه تفاوتی با ترجمان مفهوم زوجیت در مسکن مبتنی بر فرهنگ معاصر غرب دارد؟ طی این پژوهش برای پاسخ به این سؤال، با استفاده از روش استدلال منطقی سعی شده است با بررسی و فحص در منابع دینی و همچنین با استناد به مصادیق تمدن اسلامی ایرانی، شواهدی از چگونگی ترجمان کالبدی فضایی زوجیت در مسکن اسلامی ایرانی و مقایسه آن با مسکن معاصر غربی ارائه گردد.

۲- پیشینه تحقیق

با توجه به اهمیت خانواده و خانه در اسلام، توجه به اصول طراحی مسکن در اسلام و تطابق آن با شرایط جهان امروز در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و رفتاری ضروری به نظر می‌رسد. این اصول در منابع دینی همچون قرآن کریم و کتب روایی و تفاسیر مرتبط با آن-

ها قابل استنباط است. از جمله مهم‌ترین مطالعات دینی اخیر در حوزه معماری و شهرسازی اسلامی می‌توان به کتاب‌هایی نظیر «معماری و شهرسازی مطلوب اسلامی، مطلوبیت‌های اسلام درباره مسکن» رحیم قربانی (۱۳۹۳)، «معماری و شهرسازی مطابق با سبک زندگی اسلامی» محمد منان رئیسی (۱۳۹۷)، «فقه عمران شهری» آیت‌الله محسن اراکی (۱۴۰۱)، «سیمای مسکن و شهر اسلامی» محسن قرائتی (۱۳۹۳)، «درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی» عبدالحمید نقره‌کار (۱۳۸۷)، «شهر و معماری اسلامی، تجلیات و عینیات» محمد نقی زاده (۱۳۸۷)، «Islam and Housing» سپاهیک عمر (۲۰۱۰) و «Traditional Islamic principles of built environment» هشام مرتضی (۲۰۰۳) اشاره کرد.

در حوزه مسکن و به‌طور خاص، مسئله محرمیت در مسکن که از مهم‌ترین موضوعات مرتبط با مفهوم زوجیت است نیز پژوهش‌های مفصلی از منظر آموزه‌های اسلامی انجام گرفته است. اغلب محققین معماری و شهرسازی اسلامی ایرانی در آثار و تألیفات خویش، محرمیت و حریم خصوصی را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی در معماری و شهرسازی اسلامی ایرانی مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌اند و به بررسی آن در مصادیق مختلف معماری اسلامی ایرانی از جمله خانه‌ها پرداخته‌اند.

اما آنچه امروزه در معماری خانه‌ها اتفاق افتاده این است که بنیان خانه به‌جای مفهوم زوجیت، بر دیالکتیک بنا نهاده شده است. لذا نبود مدل جامع از انسان (به‌طور خاص زن) و نیازهای او بر اساس دیدگاه فلسفی و نظری مشخص از یک سو و عدم شناخت جامع از سطوح قابلیت‌های محیط و چگونگی ادراک آن توسط انسان و رابطه آن با نیازهای انسانی از دیگر سو، سبب ضعف نظریه‌های طراحی و کیفیت پایین فضاها در معماری بدون رعایت حریم شده است. علی‌رغم تلاش‌های به‌عمل آمده در زمینه تهیه کتب و مقالات متعدد پیرامون مسکن از منظر اسلام، هنوز کاستی‌هایی نظیر چیستی ترجمان و انعکاس کالبدی مفهوم زوجیت در معماری اسلامی ایرانی (به‌طور خاص مسکن) وجود دارد. بر همین اساس در این پژوهش به چگونگی تجلی کالبدی مفهوم زوجیت در معماری مسکن پرداخته می‌شود، چراکه این، معماری خانه است که هم‌نشینی زوجین در آن واقع می‌شود

و در این میان، کیفیت تحقق حریم برای حفظ شأنیت زن به عنوان یکی از ارکان زوجیت، نقشی اساسی دارد. در ادامه برخی از پژوهش‌های انجام شده با موضوع مسکن اسلامی با محوریت مفهوم حریم طی جدول شماره ۱ ارائه شده است. تمرکز بر موضوع حریم در این جدول، از آن جهت صورت گرفته است که همان‌طور که قبلاً اشاره شد مسئله حریم و محرمیت در مسکن از مهم‌ترین مسائل مرتبط با مفهوم زوجیت است.

جدول ۱: برخی از پژوهش‌های انجام شده با موضوع معماری مسکن اسلامی ایرانی با محوریت مسئله حریم (به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل مرتبط با مفهوم زوجیت در معماری مسکن)

موضوع	نویسندگان	مسئله تحقیق	یافته‌ها
بررسی تطبیقی ابعاد حریم در مسکن سنتی و معاصر با استفاده از مدل تحلیلی BDSR	هانیه اخوت و همکاران (۱۳۹۲)	چیستی ابعاد حریم در آموزه‌های اسلامی و تطبیق آن با خانه‌های سنتی و معاصر یزد	طبق یافته‌های این مقاله که با مدل BDSR به بررسی حریم فضایی می‌پردازد در خانه‌های سنتی به مراتب ابعاد حریم نسبت به خانه‌های معاصر یزد بیشتر رعایت شده است.
بازخوانی سازمان فضایی خانه بر اساس متون اسلامی	راضیه لیبب زاده و همکاران (۱۳۹۴)	پژوهش حاضر در جست‌وجوی چگونگی تأثیرگذاری روابط خانواده در اسلام بر روابط میان عرصه‌های عمومی، نیمه عمومی و خصوصی و استقرار فضاهای درونی خانه و تطبیق آن‌ها با نظریه‌های رایج در تبیین این روابط فضایی است.	تحقق روابط خانوادگی در اسلام نیازمند تحوّل در سازمان فضایی خانه و تغییر در سبک زندگی است که می‌تواند تجلی ارزش‌های فرهنگی مدنظر اسلام را در جامعه به دنبال داشته باشد.
بررسی ابزارها و روش‌های ایجاد محرمیت در خانه‌ی زینت‌الملک شیراز منطبق بر آیات و روایات اسلامی	کوروش مؤمنی و همکاران (۱۳۹۴)	شناخت اصل محرمیت و احادیث اسلامی مربوط به این اصل، به بررسی عوامل محرمیت‌ساز در خانه‌ی تاریخی زینت‌الملک به عنوان یکی از بناهای شاخص شهر شیراز.	اصل محرمیت در کالبد بنا به صورت دیداری و شنیداری نمود می‌یابد و از طریق چهار ابزار درون‌گرایی، تناسب، سلسله‌مراتب و مکان‌یابی ایجاد شده است.
تأثیر اصل حریم زنان بر معماری خانه‌های ایرانی بر اساس	حامد حیاتی و همکاران (۱۳۹۶)	آیات و روایات اسلامی چگونه بر ایجاد اصل محرمیت برای زنان در خانه تأکید دارند و	اصل محرمیت در کالبد بنا به صورت بصری و عدم اشراف تجلی می‌یابد و از طریق سلسله‌مراتب و درون‌گرایی ایجاد می‌شود. معماران در

موضوع	نویسندگان	مسئله تحقیق	یافته‌ها
آموزه‌های اسلامی		نمود اصل محرمیت در فضاها خانه چگونه است؟	گذشته با استفاده از این راهکارها، محرمیت در بنا را نه تنها برای زنان بلکه برای اهل خانه نیز تأمین می‌کرده‌اند.
تحلیل حریم دیداری خانه‌های دارای شناسیر؛ نمونه موردی: خانه‌های بومی ساحل خلیج فارس و بوشهر	راحیل ندومی و همکاران (۱۳۹۸)	چگونگی کاربری حریم دیداری به وسیله شناسیر خانه‌های بومی	در این پژوهش با بررسی مفهوم حریم و استخراج مؤلفه‌های حریم دیداری، به بررسی نقش شناسیر در خانه‌های بومی بوشهر می‌پردازد و به جلوه‌های متفاوت آن در خانه‌های مختلف این منطقه و ابعاد و تناسب آن‌ها اشاره دارد.
بررسی تطبیقی مفهوم حریم در خانه‌های کشورهای اسلامی حوزه خاورمیانه (مطالعه موردی: خانه‌های اصفهان، صنعاء، دمشق)	سمیه امیدواری و همکاران (۱۴۰۱)	چگونه مفاهیمی مانند «حریم» متأثر از بوم و فرهنگ، در خانه‌های کشورهای اسلامی تجلیات متفاوتی پیدا می‌کند؟	آزمون فرضیه پژوهش نشان می‌دهد بوم منطقه نقش بسیار مهمی در ظهور تجلیات مختلف حریم‌ها داشته است و میزان این حریم خواهی نیز در مناطق مورد مطالعه تفاوت بوده است.
بازخوانی مفهوم مسکن بر اساس آموزه‌های اسلامی و متون قرآنی	Omer Spahic (2010)	چستی ابعاد مختلف مسکن مطلوب از منظر آموزه‌های اسلامی	مسکن مطلوب، یکی از مهم‌ترین اجزای کالبدی شهر اسلامی است که در قرآن کریم از آن با عنوان «طیب» یاد شده است و از مهم‌ترین ویژگی‌های چنین مسکنی که بستر شکل‌گیری حیات طیبه است، رعایت ابعاد مختلف حریم و مفهوم محرمیت است.
بررسی ساختار فیزیکی محیط در فرهنگ اسلامی و رابطه آن با ساختار و مفاهیم اجتماعی نظیر محرمیت و غیره	Mortada Hisham (2003)	تجزیه و تحلیل آن دسته از اصول و ارزش‌های برگرفته از سنن اسلامی (نظیر اصل محرمیت) که بافت فیزیکی و اجتماعی محیط زندگی مسلمانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد	نویسنده با تکیه بر قرآن و سنت که از منابع اصلی قوانین اسلامی هستند با استفاده از نمونه‌هایی از ساخت محیط در صدر اسلام، در مناطقی نظیر شمال آفریقا، خاورمیانه، اروپا و آسیای مرکزی، شرح می‌دهد که چگونه با دنبال کردن ایده آل‌ها و آرمان‌ها، می‌توان شهرهایی ایجاد کرد که توانایی پاسخگویی به متغیرهای زیست‌محیطی و اجتماعی را دارا باشند.

مأخذ: نگارندگان

وجه تمایز و بداعت این مقاله در این است که هیچ‌یک از پژوهش‌های فوق‌الذکر (به‌رغم

پرداختن به مسئله حریم) به موضوع ترجمان کالبدی مفهوم زوجیت در مسکن اسلامی، مبتنی بر بنیان‌های نظری و فلسفی تمدن اسلامی و مقایسه آن با تمدن معاصر غربی پرداخته‌اند و از این جهت، این مقاله اولین پژوهشی است که به بررسی این مهم، با استناد به ادبیات قرآنی می‌پردازد.

۳- روش تحقیق

روش مورد استفاده برای استنتاج یافته‌های این پژوهش، روش استدلال منطقی است. این روش، طیف گسترده‌ای از معادله‌ها و برنامه‌های رایانه‌ای تا رساله‌ها و گفتمان‌های فرهنگی را شامل می‌شود (گروت و وانگ، ۱۳۸۶، ۳۰۳).

تصویر ۱: طیف روش استدلال منطقی

مأخذ: گروت و وانگ، ۱۳۸۶، ۳۰۳



در میان اجزای مختلف طیف مذکور، ماهیت روش استدلال منطقی در این پژوهش، مشمول انتهای فرهنگی-گفتمانی این طیف می‌باشد (تصویر ۱) که ناظر بر رساله‌های فرهنگی می‌باشد و لذا معادله‌ها و مدل‌ها در پژوهش حاضر جایی نخواهند داشت. لازم به ذکر است که منظور از رساله‌ها در طیف مذکور، سامانه‌هایی است که با اتکا به یک جهان‌بینی و بیان مستدل و منطقی مفاهیم آن و استفاده از شفافیت نظری، توانی اقناع‌کننده می‌یابند. این سامانه‌ها با استفاده از زبانی گفتمانی و تحلیل و تبیین قاعده‌مند، ادعاهای خود را بر تکیه‌گاهی متعالی استوار می‌سازند (همان).

بر همین اساس، تکیه‌گاه متعالی که محل ارجاع گفتمان نظری و تحلیل‌های ارائه‌شده در این پژوهش می‌باشد، منظومه حکمت اسلامی می‌باشد و یافته‌های حاصل از این پژوهش با استناد به منظومه مذکور و با ارجاع به منابع دینی توان اقناع‌کنندگی می‌یابد.

۴- بحث و تحلیل

۴-۱- واکاوی مفهوم زوجیت در ادبیات قرآنی

از آنجایی که انسان با توجه به نیازها، ارزش‌ها و هدف‌های خود محیط را دگرگون می‌کند و به‌طور متقابل تحت تأثیر محیط دگرگون‌شده قرار می‌گیرد (مرتضوی، ۱۳۸۰، ۲) توجه ویژه به استعدادهای بالقوه و نیازهای انسان برای طراحی محیط، امری مهم و ضروری است. انسان فطرتاً خواهان آرامش و مکان محفوظ می‌باشد؛ تأمین مسکن یکی از مسائل مهم معیشت بشر محسوب می‌شود و در این راستا تأمین توأمان نیازهای مادی و معنوی انسان می‌بایست مدنظر قرار گیرد. لذا مبرهن است که معیارهای مسکن مطلوب به این محدود نمی‌گردد که سرپناه و حافظ انسان در برابر شرایط نامساعد جوی و گزند حیوانات و احتمالاً آسیب‌هموعانش باشد و یا قیمت مناسبی داشته باشد و تأمین آن برای هر کس مقدور باشد (نقی‌زاده، ۱۳۹۱، ۴۰) و بلکه شاخصه‌های محتوایی و کیفی نیز در این خصوص نقش اساسی دارد.

بر اساس آموزه‌های اسلامی، ساختار خانواده از عوامل مهم طراحی خانه است. خانه به‌عنوان کانون اصلی خانواده نیازمند سازمان فضایی ویژه‌ای است. خانواده نظامی است با مجموعه‌ای از روابط درونی و بیرونی و خانه به‌عنوان محل سکونت آن، نیازمند تفکیک فضاها به تناسب نوع فعالیت‌ها و روابط افراد خانواده درون آن است؛ بنابراین طراحی خانه به‌ویژه به لحاظ تفکیک فضاها، عمومی و خصوصی و نوع رابطه این فضاها با یکدیگر، بسیار حائز اهمیت است. شناخت سازمان فضایی خانه طبق مؤلفه‌های موردنیاز روابط درون خانوادگی و برون‌خانوادگی معرفی شده در اسلام موضوع مهمی است که بر شکل‌دهی به سبک زندگی و تحقق ارزش‌های فرهنگی متناسب با فرهنگ دینی جامعه اثرگذار است (لیب‌زاده، ۱۳۹۴، ۶). در یک دسته‌بندی کلی می‌توان روابط اعضای خانواده را به دو دسته روابط درونی و بیرونی تقسیم نمود، منظور از روابط درونی آن دسته از روابط است که رفتارهای بین زوجین و یا زوجین با فرزندان و یا فرزندان با یکدیگر را شکل می‌دهد. منظور از روابط بیرونی نیز ارتباطات زوجین و فرزندان با دیگران در درون خانه از جمله مهمانان و همسایگان است (همان، ۹). از آنجایی که خانه آرمانی‌ترین و محتواگرترین

موضوع معماری است لذا اصالت دادن به موضوع مفاهیم و تعاریف معنایی مندرج در بطن اصول و ایده‌های اسلامی از جمله حریم زوجین و به‌طور خاص زنان یکی از ضرورت‌های اساسی معماری مسکن به شمار می‌آید (ایرانمنش، ۱۳۷۶، ۵۷). مسئله حریم و حجاب و صیانت از محرمیت زنان یکی از اصول مهم معماری اسلامی در خلق فضاهای معماری بوده است. لذا محرمیت را می‌توان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های معماری اسلامی دانست و خانه که خصوصی‌ترین مکان برای فرد به شمار می‌آید از اصلی‌ترین مکان‌هایی است که رعایت محرمیت و حریم خصوصی در آن ضروری است. به جهت تأثیر پررنگ حضور زنان در خانه و تدوین فضای الگو مدار خانه‌های سنتی ایران، پرداختن به مقوله‌ی زن، حریم زنانه و محرمیت در خانه دوچندان می‌شود (حیاتی، ۱۳۹۶، ۲۶).

قرآن کریم با انتساب آرامش و سکون به ازدواج، آن را هدف مستقیم ازدواج بیان می‌نماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا: و از نشانه‌های او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرامش یابید» (روم/۲۱). بر طبق این معنا، هدف از ایجاد زوجیت با همسرانی از جنس خود همانا «آرامش و سکون» است؛ ولی آنگاه که از مودت و رحمت به‌عنوان اهداف بعدی نام می‌برد آن‌ها را در یک ظرف ارتباطی می‌جوید و لذا با لفظ «بَيْنَكُمْ» این هدف را بیان می‌کند: «وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً: و در میان شما دوستی و مهربانی قرار داد» (همان). از این شکل بیان چنین استنتاج می‌شود که آرامش و سکون هدف مستقیم و «محبت و مودت» هدف غیرمستقیم ازدواج هستند که در یک قالب ارتباطی خاص تحت عنوان خانواده دنبال می‌شوند. پس «مودت و محبت» نیز از جمله اهداف ازدواج هستند که در قالب روابط زوجین (بَيْنَكُمْ) قرار می‌گیرند. زن و مرد در زندگی خانوادگی نیازهای متنوعی دارند که خانه می‌تواند زمینه‌ساز تأمین نیازها باشد. از جمله آنکه زن و مرد در خانه لازم است احساس آزادی نمایند، بتوانند به میل خود رفتار نمایند و احساس ناامنی نکنند، خود را اسیر و محصور ندانند و فضای خانه را بر خود بسته یا تنگ نینند.

از منظر قرآن کریم، گرچه زن و مرد، دو رکن متفاوت در شکل‌گیری مفهوم زوجیت هستند اما به‌رغم برخی تفاوت‌ها، هر دو از یک نوع هستند؛ «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا: ای مردم، از پروردگارتان که شما را از نفس

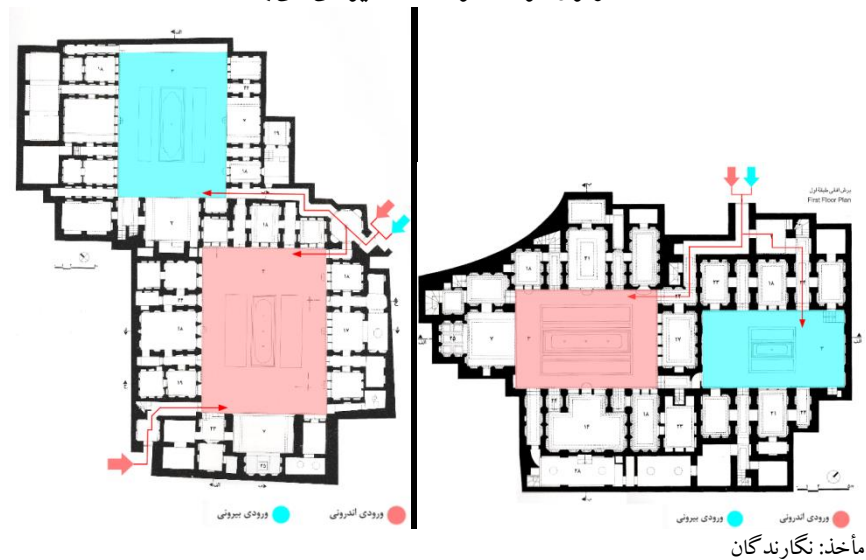
واحدی آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید، پروا کنید» (نساء/۱). به تصریح این آیه، زن و مرد، هر دو از یک نوع هستند و تفاوت‌های میان زوجین، از جنس صفات است و نه ذات؛ اما به‌رغم هم نوع بودن زوجین، تفاوت‌های میان زن و مرد سبب می‌شود که نسبت به اجزای مختلف خانه در فرهنگ اسلامی ایرانی تدابیر متفاوتی اندیشیده شود.

۲-۴- معماری مسکن و ترجمان کالبدی مفهوم زوجیت

از مهم‌ترین مؤلفه‌های فرهنگ اسلامی ایرانی، تأکید بر حفظ حریم زن است که در احکامی نظیر حجاب و عفاف بروز یافته است؛ *وَعَلَى النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ* (کفعمی، ۱۴۱۸ ق، ۳۴۹). البته موضوع عفاف مختص به زن نیست و مرد نیز مشمول این موضوع است اما به دلیل برخی صفات و ویژگی‌هایی که در زنان بروز بیشتری دارد، موضوع حجاب و عفاف برای زنان از اهمیت بیشتری برخوردار شده است.

بر همین اساس در مسکن اسلامی ایرانی سعی می‌شده است تا حتی‌المقدور، فضای حضور بانوان از فضای حضور مهمانان و افراد غریبه به کلی جدا باشد که تدبیر لازم برای این مهم، تقسیم فضای خانه به دو بخش اندرونی و بیرونی بوده است (تصویر ۲). اندرونی فضایی است برای حضور آزادانه بانوی خانه (به‌عنوان یک رکن زوجیت در خانه) و بیرونی، فضایی است برای مهمانداری مرد خانه (به‌عنوان رکن دیگر زوجیت). این دو گانه-ی اندرونی بیرونی در معماری خانه به‌نوعی تجلی دو گانه‌ی زن و مرد به‌عنوان دو رکن زوجیت بوده است.

تصویر ۲: سمت راست خانه گرامی در یزد و سمت چپ خانه مظفری در یزد؛ تقسیم فضای خانه به دو بخش اندرونی و بیرونی، به نوعی تجلی مفهوم زوجیت و دوگانه مرد و زن در معماری خانه ایرانی می باشد.



اما نکته قابل توجه آن است که همان طور که زوجین، به رغم برخی تفاوت‌ها، از یک نوع هستند و مکمل یکدیگر می باشند، اندرونی و بیرونی خانه نیز در عین مرزبندی و تفاوت‌های فضایی، از یک نوع هستند و در تداوم یکدیگر و مکمل فضاهای هم هستند و تفاوت میان این دو فضا، صرفاً از نوع تفاوت در برخی صفات (نظیر ابعاد و تناسبات و غیره) است.

قرآن کریم در خصوص خلقت حوا چنین می فرماید که او از جنس خود آدم و بلکه از خود او خلق شده است: «وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا: و همسرش را از او آفرید» (نساء/۱). همین موضوع در ترجمان کالبدی زوجیت در معماری خانه مبتنی بر فرهنگ اسلامی ایرانی نیز مشاهده می شود به نحوی که اندرونی را می توان تداوم فضای بیرونی تلقی نمود که از خود آن تداوم می یابد و با سیری از برون به درون، به عمق خانه نفوذ می کند.

این نوع تلقی از مفهوم زوجیت در نگاه اسلامی ایرانی، نقطه مقابل مفهومی است تحت عنوان «تضاد» که در فلسفه معاصر غرب مطرح شد و رد پای آن را در برخی تألیفات

معماری معاصر غرب نیز می‌توان مشاهده نمود؛ نظیر کتاب پیچیدگی و تضاد در معماری، اثر معمار مشهور آمریکایی، رابرت ونتوری (Venturi, 1977). مفهوم تضاد در فلسفه معاصر غرب ابتدا در دیالکتیک هگلی و همچنین مارکسیسم مطرح شد؛ زیرا رکن اصلی دیالکتیک هگل که بعدها مارکس نیز از او به عاریت گرفت، تضاد است؛ به نحوی که در این نوع نگاه، حرکت جامعه و حرکت تاریخ، ناشی از تضاد است. بر این اساس، در بطن هر حرکتی، «تز» و «آنتی‌تزی» وجود دارد که از برآیند این دو، سنتز به وجود می‌آید (مطهری، ۱۳۹۵، ۹۰۵).

اما در اسلام، سنتز از آنتی‌تزی به وجود نمی‌آید بلکه از زوجیت به وجود می‌آید (<https://khamenei.ir>)؛ از زوجیتی که در کانون خانواده، فلسفه آن آرامش است: «لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا: تا در کنارشان آرامش یابید» (روم/۲۱). لیکن آنگاه که تضاد دیالکتیکی جایگزین مفهوم زوجیت شود، زن به عنوان یک رکن اصلی مفهوم زوجیت در خانه، جایگاه اصلی و فطری خود را در دیالکتیک میان تز و آنتی‌تزی از دست می‌دهد که نتیجه این فرایند، سنتزی است که با شعار مساوات زن و مرد، زن را از خانه به کارخانه می‌کشاند تا هم چرخ نظام سرمایه‌داری ارزان‌تر بچرخد و هم به زن چنین القا شود که حقوق اجتماعی‌اش تمام و کمال پرداخته شده است.

مبهرن است که چنین خانه‌ای که حضور زن در آن معنای سابق را ندارد، به فضای حریم‌مند برای حضور زن نیز نیازی ندارد و چنین می‌شود که اندرونی از خانه حذف می‌شود و آنچه در سرتاسر مسکن معاصر مبتنی بر فرهنگ غربی دیده می‌شود، صرفاً تجلی بیرونی است. به نحوی که در چنین سنتزی با حذف حیاط مرکزی، دیگر حتی بازشوهای خانه نیز به سمت درون باز نمی‌شود و با مکان‌یابی بازشوها به سمت کوچه و خیابان، مرز بین اندرون و بیرون (فضای داخل خانه و فضای خیابان) به کلی مستحیل می‌شود.

تصاویر شماره ۳ و ۴: پلان دو مسکن معاصر از منطقه صفاییه یزد (مهندسین مشاور آرا؛ تاریخ اتمام بنا: ۹۰/۱۱/۱۲)؛ حذف حیاط مرکزی و مخدوش شدن حریم میان فضاها و تأکید بر حداکثر شفافیت فضایی در این طرح و نمونه‌های مشابه که اکنون در سراسر کشور فراگیر شده است مشهود است.



در چنین سنتزی، همان‌طور که زن و مرد با قاعده مساوات (و نه عدالت) قضاوت می‌شوند، فضاهای اندرونی و بیرونی نیز (به‌عنوان بسترهای اصلی حضور زن و مرد) با قاعده مساوات و نه عدالت سنجیده می‌شوند و چون لازمه مساوات، چشم‌پوشی از اقتضانات، صفات و ویژگی‌های مختص به هر یک از این دو نوع فضا است، لذا یکی در دیگری کاملاً مستحیل می‌شود؛ کما اینکه در فرهنگ معاصر غربی نیز با چشم‌پوشی از تفاوت‌های زن و مرد، زن در فرهنگ نظام سرمایه‌داری هضم شده است و در محیط بیرون و کارخانه، در بسیاری از اوقات به کارهای کاملاً مردانه گماشته می‌شود.

به این ترتیب در چنین فرهنگی، از خانه، فقط فضای بیرونی بروز و ظهور دارد؛ زیرا در این نوع نگاه، اساساً زنی که صفاتش لحاظ شود و با قواعد مردانه سنجیده نشود محلی از

اعراب ندارد و بالتبع در چنین شرایطی به فضای متناسب با حضور زنانه او (یعنی اندرونی) نیز نیازی نیست و چنین می‌شود که خانه که در فرهنگ اسلامی ایرانی، با مفهوم پوشانندگی و حریم حداکثری قرین است در فرهنگ غربی به کلی ترجمان کالبدی دیگری می‌یابد.

تصویر شماره ۵: خانه‌روبی، فرانک لوید رایت؛ رعایت الگوی الکساندر در زمینه اشراف از معبر و تراس به داخل خانه (عدم پوشانندگی خانه) که تجلی کالبدی سنتز فضایی



مبتنی بر دیالکتیک بیرون و درون است.

مأخذ: <https://franklloydwright.org/site/robie-house>

تصاویر ۶ و ۷: ویلا ساوای لوکوربوزیه، مصداقی از تأثیر لیبراسیون فضایی بر معماری معاصر. در پلان و پرسپکتیو این ویلا به وضوح آزادی در روابط فضایی و مستحیل شدن مرز میان فضاهای داخلی و خارجی قابل مشاهده است.



مأخذ:

<http://corbusier.totalarch.com>

به این ترتیب، چنین خانه‌ای دیگر نه اندرونی دارد و نه حریم مشخصی دارد و نه حتی به علت اشراف فضای بیرون بر درون، می‌تواند پوشاننده امور شخصی ساکنین باشد. چنین خانه‌ای فی الواقع بخشی از فضای بیرون است که از معابر و فضاهای مجاور، هر لحظه حریم آن در معرض نقض است (تصاویر ۵، ۶ و ۷).

تصویر ۸: تناسب جزئیات درب خانه در فرهنگ اسلامی ایرانی با مفهوم زوجیت



مأخذ: رئیسی، ۱۴۰۲، ۷۰

اما برخلاف مسکن معاصر غربی، در مسکن اسلامی ایرانی، ترجمان کالبدی مفهوم زوجیت کاملاً در مرزبندی میان فضاهای زنانه و مردانه هویدا است و البته این مرزبندی صرفاً به کلیات الگوی ساخت و تقسیم عرصه مسکن به دو بخش اندرونی و بیرونی منحصر نمی‌شود و بلکه در جزئیات نیز انعکاس می‌یافته است. تصویر شماره ۸ بیانگر یکی از این جزئیات است که در درب یک خانه سنتی نمایان است. دربی دو لنگه که روی یکی کوبه و روی دیگری کلون نصب شده است. کوبه که معمولاً سمت راست نصب می‌شد به شکل مشت گره کرده بود و صدایی بم داشت؛ که اگر مردی می‌آمد این کوبه را می‌کوفت تا اهالی خانه بدانند که مردی پشت درب است و به همین دلیل آقای خانه به استقبال او می‌رفت؛ اما کلون که بر لنگه دیگر می‌نشست، ظریف‌تر و زنانه‌تر بود و وقتی نواخته می‌شد صدایی زیر تولید می‌کرد و اهل خانه را از وجود بانویی در پشت درب مطلع می‌کرد (رئسی و منصور، ۱۳۸۷). کوبیده شدن هر دو (کوبه و کلون) با یکدیگر نیز به اهل خانه بشارت می‌داد که خانواده‌ای بر آن‌ها مهمان شده است. به این ترتیب، در مسکن اسلامی ایرانی، حتی در جزئیات درب خانه نیز تا این حد به تفاوت میان دو رکن زوجیت و توجه به شأن و اقتضائات هریک از این دو توجه می‌شد.

چنین خانه‌ای مصداقی بوده است برای مسکن مطلوب از منظر آموزه‌های قرآنی: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا: و خداوند از خانه‌هایتان برایتان آرامش قرار داد» (نحل/۸۰)؛ طبق این آیه، هر خانه‌ای قابلیت القاء سکن و آرامش را ندارد، زیرا اگر هر خانه‌ای این ویژگی را دارا بود، بایستی به جای عبارت «مِنْ بُيُوتِكُمْ» در آیه فوق، از عباراتی نظیر «كُلُّ بُيُوتِكُمْ» یا «فِي بُيُوتِكُمْ» یا سایر عبارات مشابه استفاده می‌شد و به هیچ قید و تخصیصی برای بیت (خانه) اشاره نمی‌شد؛ اما طبق این آیه، فقط برخی از خانه‌ها حامل این ویژگی (یعنی القاء سکن و آرامش) معرفی شده‌اند که رمزگشایی از ویژگی این خانه‌ها، با پی‌جویی وجه اشتراک خانه با سایر پدیدارهای آرامش‌بخش در ادبیات قرآنی مشخص می‌شود.

با پی‌جویی واژه‌ی «سکن» در سایر آیات قرآن کریم، به جز کلمه خانه که در آیه فوق‌الذکر به قابلیت آرامش بخشی آن اشاره شده است، دو موضوع فرازمانی و مشابه دیگر

نیز به لحاظ قابلیت آرامش بخشی در قرآن کشف می‌گردد که عبارت‌اند از «شب» و «همسر» (رئیسی، ۱۳۹۸، ۸۰). با تطبیق کلیه آیات مربوط به این سه گانه (خانه و شب و همسر)، مشخص می‌شود که در ادبیات قرآنی به‌جز موضوع آرامش بخشی، تنها وجه اشتراک مورد تصریح برای دو عنوان «شب: لیل» و «همسر: زوج یا زوجه»، ویژگی پوشانندگی این دو است که در قرآن کریم با واژه «لباس: پوشش» از آن یاد شده است، نظیر این آیات: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ: آنان (همسران شما) برای شما پوشش و شما هم برای آنان (همسرانتان) پوشش هستید» (بقره/۱۸۷)؛ «وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا: و شب را پوشش قرار دادیم» (نبا/۱۰).

علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۱۰ سوره نبا (به شرح فوق) ویژگی پوشانندگی شب را چنین تفسیر کرده‌اند: «یعنی ما شب را چون لباس ساتری قرار دادیم که با ظلمتش همه چیز و همه دیدنی‌ها را می‌پوشاند، همان‌طور که لباس بدن را می‌پوشاند» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۴۲۰). در تفسیر آیه ۱۸۷ بقره نیز چنین نقل شده است که «لباس عیوب انسان را می‌پوشاند و آبرو را حفظ می‌کند. زن و شوهر نیز باید عیوب هم را بپوشانند و آبروی اجتماعی یکدیگر را حفظ کنند... لباس مایه‌ی آرامش انسان است. زن و شوهر نیز موجب آرامش یکدیگرند» (جوادی آملی، ۱۳۸۷، ۴۶۱-۴۶۰).

بر این اساس و با توجه به سه گانه‌ی خانه، شب و همسر در ادبیات قرآنی، از آنجا که تنها وجه اشتراک دو موضوع شب و همسر در آیات قرآن کریم، قابلیت پوشانندگی است، لذا چنین استنتاج می‌شود که لازمه‌ی آرامش بخش بودن مسکن، تجلی همین ویژگی در خانه است. به بیان دیگر، خانه‌هایی مشمول تعبیر «مِنْ بُيُوتِكُمْ» در آیه «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا» (نحل/۸۰) می‌شوند که ساختار کالبدی آن‌ها، حامل ویژگی پوشانندگی و تحقق مفهوم حریم (به‌عنوان مهم‌ترین مفهوم مرتبط با ارکان زوجیت) باشد و صرفاً در این صورت است که می‌توان بین این آیه و آیات مربوط به شب و همسر ارتباطی منطقی برقرار نمود.

پس با استناد به موضوع «پوشانندگی» به‌عنوان وجه اشتراک سه گانه‌ی خانه، شب و همسر در ادبیات قرآنی، ارجحیت کاربری الگوهای درون‌گرا در مسکن اسلامی ایرانی استنتاج می‌شود؛ زیرا مسکن درون‌گرا در مقایسه با الگوهای برون‌گرا، به دلیل ارتباط

بصری کمتر با محیط بیرون، به مراتب قابلیت پوشاندگی و حریم پذیری بیشتری دارد و این نوع مسکن با تقسیم فضای کلی خانه به دو بخش اندرونی و بیرونی، ترجمانی است کالبدی برای مفهوم زوجیت؛ زیرا با کار بست این نوع الگوهای درون گرا، اولاً بین مسکن و همسر که هر دو از مفاهیم آرامش بخش در ادبیات قرآنی هستند به دلیل تحقق قابلیت پوشاندگی، تطابق منطقی حاصل می شود. ثانیاً در این نوع خانه های درون گرا، ضمن به رسمیت شناختن تفاوت های میان مرد و زن (به عنوان دو رکن زوجیت در خانه)، هریک از آن ها با نقش آفرینی در بیرونی و اندرونی، دارای شأنیت متناسب با ویژگی ها و اقتضائات خود هستند که این مهم، در تطبیق با اصل عدالت (و نه مساوات) است.

این نوع انعکاس عدالت در نظام فضایی مسکن همان مفهومی است که مورد تأکید اسلام است، زیرا اصرار بر مساوات گاهی ممکن است منتج به نقض عدالت شود اما رعایت عدل به معنای «وضع الشيء فی موضعه» و «اعطاء کل ذی حق حقه» (رئسی، ۱۳۹۷، ۱۳۳) سبب خواهد شد تا مسکن به نحوی معماری شود که هم مرد و هم زن، جایگاه های عادلانه و متناسب با اقتضائات و ویژگی های خود در خانه را دارا باشند. جایگاه هایی تحت عنوان بیرونی و اندرونی که ضمن داشتن برخی تفاوت های فضایی، مکمل یکدیگر هستند و این همان چیزی است که می توان از آن تعبیر به ترجمان مفهوم زوجیت در مسکن اسلامی ایرانی نمود. دقیقاً مشابه با خود مرد و زن که از منظر قرآنی، به رغم برخی تفاوت ها، هر دو از یک نوع و مکمل یکدیگر هستند.

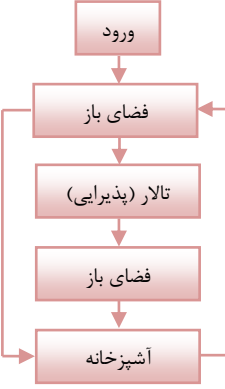
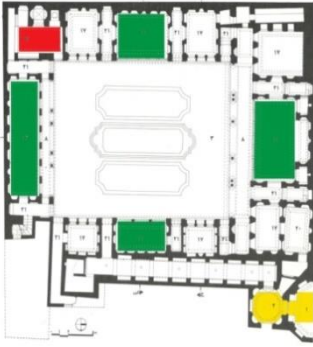
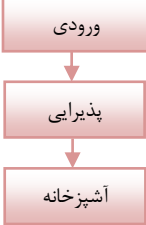
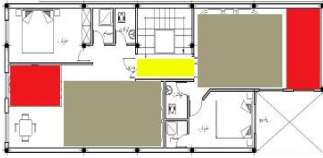
نتیجه گیری

خانه ای که بنیانش به جای مفهوم زوجیت، بر تضاد دیالکتیک بنا نهاده شود، به دلیل بی توجهی به جایگاه و حریم زن (به عنوان رکن اصلی آرامش در خانه) که در عدم پوشاندگی خانه بروز و ظهور می یابد، اغلب نه تنها آرامش بخش نیست بلکه به کانون نزاع و تضاد تبدیل می شود؛ انبوه خانواده های تک والد و افزایش روزافزون نرخ طلاق در کشورهای غربی شاهدی است بر این مدعا؛ کما اینکه انبوه خانه های بدون حریم و فاقد فضاهای مختص حضور بانوی خانه نیز تجلی کالبدی سنتز فضایی مبتنی بر دیالکتیک غربی است. جدول شماره ۲ بیانگر مقایسه تطبیقی کیفیت روابط فضایی بین فضاهای ورودی و

پذیرایی از یک سو (به عنوان نمودی از مهم ترین بخش های بیرونی خانه) و فضای آشپزخانه از سوی دیگر (به عنوان نمودی از مهم ترین بخش های اندرونی خانه) در چند نمونه از خانه های سنتی متأثر از فرهنگ اسلامی ایرانی و معاصر متأثر از فرهنگ غربی است.

جدول ۲: مقایسه تطبیقی ترجمان مفهوم زوجیت در کیفیت ارتباط میان فضاهای ورودی، پذیرایی و آشپزخانه (به عنوان نمود مهم ترین فضاهای مربوط به دو رکن زوجیت در خانه). در تمام پلان های ارائه شده، رنگ زرد نمایانگر ورودی، رنگ قرمز نمایانگر آشپزخانه و رنگ سبز نمایانگر پذیرایی یا تالار می باشد. در نمونه های سنتی، مرز میان فضاهای مربوط به حضور زن و مرد به عنوان دو رکن زوجیت کاملاً مشهود است اما در نمونه های معاصر، تحت تأثیر تضاد دیالکتیک تز و سنتز، مرز بین فضاهای خصوصی و عمومی کاملاً مخدوش شده است و نهایتاً سنتزی حادث شده است که ترجمانی است برای مفهوم مساوات و نه عدالت در زوجیت متناسب با فرهنگ معاصر غرب.

ملاحظات	کیفیت رابطه فضایی میان ورودی، پذیرایی و آشپزخانه	پلان	موقعیت مکانی و زمانی پلان
<p>- پلان های معاصر (ردیف های ۳ و ۴) دو واحدی می باشند.</p> <p>- همان طور که ملاحظه می شود، در نمونه های معاصر، به دلیل حذف فضاهای باز از مرکز هندسی مسکن، الگوی خانه از درون گرا به الگوی برون گرا تغییر یافته است.</p> <p>- در هر دو نمونه سنتی (یکی مربوط به زندیه و دیگری</p>			<p>(صفهان) اوایل زندیه خانه حاج رسولی ها</p>

ملاحظات	کیفیت رابطه فضایی میان ورودی، پذیرایی و آشپزخانه	پلان	موقعیت مکانی و زمانی پلان
<p>مربوط به قاجاریه، روابط فضایی سه گانه ورودی و پذیرایی و آشپزخانه از یک الگوی ثابت و مشخص تبعیت می کند که در ستون سوم این جدول قابل مشاهده است.</p> <p>- در دو نمونه معاصر (یکی در تهران و دیگری در محلات) روابط سه گانه فوق، از دو نوع الگو تبعیت می کند که موقعیت آشپزخانه و پذیرایی در این دو الگو جابجا شده است.</p>			<p>خانه دکتر اعلم (اصفهان)، قاجاریه</p>
<p>- در خانه های سنتی (برخلاف معاصر) موقعیت تالار (پذیرایی) متمرکز نیست و در هر جبهه از منزل، مکان</p>			<p>مجموعه مسکونی، تهران، معاصر</p>

ملاحظات	کیفیت رابطه فضایی میان ورودی، پذیرایی و آشپزخانه	پلان	موقعیت مکانی و زمانی پلان
<p>مشخصی به عنوان تالار در نظر گرفته شده است.</p> <p>- در نمونه‌های سنتی، آشپزخانه در کنار ورودی مکان‌یابی نشده است و به علاوه، در معرض دید پذیرایی (تالار) نیز نمی‌باشد که این نکات کاملاً در تطبیق با فرهنگ اسلامی ایرانی می‌باشد؛ اما در نمونه‌های معاصر، نکات متعددی در تعارض با فرهنگ اسلامی ایرانی قابل مشاهده است؛ نظیر مکان‌یابی آشپزخانه در مجاورت ورودی، مشرف بودن پذیرایی به آشپزخانه و غیره.</p>			<p>جموعه مسکونی، محلات، معاصر</p>

مأخذ: نگارندگان

همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود در مسکن سنتی، تحت تأثیر فرهنگ اسلامی ایرانی، پوشاندگی آشپزخانه به عنوان قلمرو اختصاصی بانوی خانه کاملاً رعایت می‌شده است اما در مسکن معاصر، تحت تأثیر تحولات حاصل از تمدن معاصر غرب، حریم آشپزخانه کاملاً مخدوش شده است و مرز فضایی بین قلمرو بانوی خانه و سایر فضاهای عمومی خانه نظیر پذیرایی کاملاً مخدوش شده است که این امر، تجلی کالبدی سنتزی است که در فلسفه معاصر غرب تحت فرایند تضاد دیالکتیک مطرح شده است. به این معنا که در اثر تضاد دیالکتیک تز و آنتی‌تز، سنتزی به دست آمده است که در آن، یکی (اندرونی) در دیگری (بیرونی) کاملاً مستحیل شده است و از کالبد خانه، چیزی به جز فضای بیرونی و فاقد حریم به عنوان سنتز حاصل از این تضاد دیالکتیک باقی نمانده است.

منابع

قرآن کریم.

۱. اخوت، هانیه (۱۳۹۲)، بررسی تطبیقی ابعاد حریم در مسکن سنتی و معاصر با استفاده از مدل تحلیلی BDSR، مجله مسکن و محیط روستا، ۳۲ (۱۴۲)، صص ۹۷-۱۱۲.
۲. اراکی، محسن (۱۴۰۱)، فقه عمران شهری، قم: انتشارات مجمع الفکر اسلامی.
۳. امیدواری، سمیه؛ حمزه نژاد، مهدی (۱۴۰۱)، بررسی تطبیقی مفهوم حریم در خانه‌های کشورهای اسلامی حوزه خاورمیانه (مطالعه موردی: خانه‌های اصفهان، صنعاء، دمشق). مجله پژوهش‌های معماری اسلامی، ۳ (۱۰)، صص ۱۶۸-۱۴۵.
۴. ایرانمش، محمد (۱۳۷۶)، نقد اصول گرایانه شیوه‌های نگرش به مسجد، مجموعه مقالات همایش «معماری مسجد، گذشته، حال، آینده»، دانشگاه هنر، دانشکده پردیس اصفهان، صص ۷۲-۷۵.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، تسنیم (تفسیر قرآن کریم)، جلد ۹، قم: نشر اسراء.
۶. حیاتی، حامد؛ امین پور، احمد؛ مدنی، رامین (۱۳۹۶)، تأثیر اصل حریم زنان بر معماری خانه‌های ایرانی بر اساس آموزه‌های اسلامی، زن و فرهنگ، (۳۲)، صص ۴۷-۶۱.
۷. رئیسی، محمدمنان؛ منصوری، مریم (۱۳۸۷)، اصول و مبانی معماری مناطق جنوبی ایران و رابطه آن با جایگاه «زن جنوب» در نظام فرهنگی عقیدتی منطقه، همایش زن جنوب و عرصه‌های اجتماعی فرهنگی، لامرد: دانشگاه آزاد اسلامی.
۸. رئیسی، محمدمنان (۱۳۹۸)، تحلیل ارجحیت الگوهای درون‌گرا در معماری ابنیه مسکونی با استناد به ادبیات قرآنی، مجله آرمان شهر، شماره ۲۷، صص ۷۷-۸۵.
۹. رئیسی، محمدمنان (۱۴۰۲)، کشکول منان (یادداشت‌های تبیینی تحلیلی یک معمار شهرساز)، قم: انتشارات دانشگاه قم.
۱۰. رئیسی، محمدمنان (۱۳۹۷)، معماری و شهرسازی مطابق با سبک زندگی اسلامی (از تشریح وضع مطلوب تا تحلیل وضع موجود)، قم: انتشارات دانشگاه قم.
۱۱. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، جلد ۲۰، ترجمه محمدباقر موسوی،

قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۱۲. قرائتی، محسن (۱۳۹۳)، *سیمای مسکن و شهر اسلامی*، تهران: موسسه فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

۱۳. قربانی، رحیم (۱۳۹۳)، *معماری و شهرسازی مطلوب اسلامی (مطلوبیت‌های اسلام درباره مسکن)*، تهران: شبکه اندیشه.

۱۴. کفعمی، تقی‌الدین ابراهیم بن الحسن (۱۴۱۸ ق)، *البلد الامین*، جلد ۱، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.

۱۵. گروت، لیندا؛ وانگ، دیوید (۱۳۸۶)، *روش‌های تحقیق در معماری*، ترجمه علیرضا عینی فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۶. لیبزاده، راضیه؛ نقره کار، عبدالحمید؛ حمزه نژاد، مهدی؛ خانمحمدی، محمدعلی (۱۳۹۴)، بازخوانی سازمان فضایی خانه بر اساس متون دینی به روش EBS و تطبیق آن با اولویت‌های روابط فضایی از دیدگاه الکساندر و لنگ، *مجله مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، (۲۲)، صص ۲۲-۵.

۱۷. مرتضوی، شهناز (۱۳۸۰)، *روانشناسی محیط و کاربرد آن*، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۱۸. مطهری، مرتضی (۱۳۹۵)، *مجموعه آثار*، جلد ۱۳، تهران: انتشارات صدرا.

۱۹. مؤمنی، کوروش؛ ناصری، ندا (۱۳۹۴)، بررسی ابزارها و روش‌های ایجاد حریمیت در خانه زینت‌الملک شیراز منطبق بر آیات و روایات اسلامی، *مجله پژوهش‌های معماری اسلامی*، (۳) ۹، صص ۳۵-۱۸.

۲۰. ندومی، راحیل؛ شرقی، علی (۱۳۹۸)، تحلیل حریم دیداری خانه‌های دارای شناسیر (نمونه موردی: خانه‌های بومی در ساحل خلیج فارس و درون بافت قدیم بوشهر)، *مجله نقش جهان مطالعات نظری و فناوری‌های نوین معماری و شهرسازی*، (۳) ۹، صص ۲۱۵-۲۰۳.

۲۱. نقره کار، عبدالحمید (۱۳۸۷)، *درآمدی بر هویت اسلامی در معماری و شهرسازی*، تهران: نشر پیام سیما.

۲۲. نقی‌زاده، محمد (۱۳۹۱)، *تأملی در شناخت مبانی مسکن اسلامی ایرانی*، کتاب ماه

هنر، (۱۷۰)، صص ۳۸-۵۴.

۲۳. نقی زاده، محمد (۱۳۸۷)، *شهر و معماری اسلامی (تجلیات و عینیات)*، اصفهان: نشرمانی.

24. Hisham, Mortada (2003), *Traditional Islamic principles of built environment*, London: Routledge.
25. Omer, Spahic (2010), *Islam and Housing*, Kuala Lumpur: AS Noordeen.
26. Venturi, Robert (1977), *Complexity and Contradiction in Architecture*, New York: The museum of modern art.
27. <http://corbusier.totalarch.com>
28. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=51655>
29. <https://franklloydwright.org/site/robie-house>